

چشمه اندیشه

(فارسی عمومی دانشگاهها)

تالیف:

شاپور نور آذر

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد مغان)

نذیر بکتاش جعفرلو

(مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد مغان)

سرشناسه : نوراذر، شاپور، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : چشمه اندیشه (فارسی عمومی دانشگاهها) مولفان شاپور نوراذر، ندیر بکتاش جعفرلو،
 مشخصات نشر : اردبیل: پارلاق پاری، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۱۵۰ ص.
 شابک : 978-600-93250-2-3
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 عنوان دیگر : فارسی عمومی دانشگاهها.
 موضوع : ادبیات فارسی -- مجموعه ها
 موضوع : ادبیات فارسی -- راهنمای آموزشی (علمی)
 شناسه افزوده : بکتاش، جعفرلو، ندیر، ۱۳۴۳
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ن ۲/۵ - PIR4
 رده بندی دیویی : ۰۸۸۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۳۸۰۲۱

پارلاق
انتشارات
 ۰۴۵۱۲۲۵۳۵
 Email: negin_chap@yahoo.com

چشمه اندیشه

(فارسی عمومی دانشگاهها)

مولفان: شاپور نوراذر، ندیر بکتاش جعفرلو

چاپ و صحافی: چاپخانه نگین

(۱۴۰۶/۲۲۴-۰۴۵۱ صفری)

طرح روی جلد: میثم باج

لیتوگرافی: آریتان اسکندر

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۵۰-۲-۳

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	سر آغاز سخن
۱	نیایش
۲	ادب چیست
۳	ادبیات چیست
۴	ترجمه ی نخستین خطبه از نهج البلاغه
۵	ادیم زمین سفره ی عام اوست
۶	سروده هایی از رودکی
۷	در شناختن نفس
۹	در ستایش خرد و دانش
۱۰	مهمان بی تکلف
۱۱	نامه ای از قائم مقام فراهانی
۱۲	نی محزون
۱۳	لقمان حکیم
۱۵	گللهایی از گلستان
۲۰	حکایت های از منطق الطیر
۲۱	سیل
۲۲	چند لطیفه ی ادبی
۲۳	حقوق مسلمانی
۲۶	آداب سخن گفتن
۲۷	یادگار انسان
۲۷	نیشن و گفتن
۲۸	همان کس که دندان دهد نان دهد
۲۸	تناسب آفرینش
۲۹	پرورده و ادب کردن کودکان
۳۱	داستان مرد باغبان با خسرو
۳۲	قصه ی قیس بن عاصم
۳۳	منازعت چهار کس جهت انگور
۳۴	مشاهدات ناصر خسرو
۳۷	زهر شیرین
۳۹	دوستی
۴۱	انسان باشیم
۴۳	در برابر خدا

۴۶	مرداب
۴۷	پاسخ
۴۹	نوشیروان و بزرگمهر
۵۱	در سیره سلمان فارسی
۵۲	جوانی و خامی
۵۳	رستم و اسفندیار
۵۵	آرمان شاعر
۵۷	بررسی رفتار علملان و وزیران
۶۵	مشورت با دانایان و پیران
۶۶	در فرونی گهر از فرونی خرد و هنر
۶۸	در پیری و جوانی
۷۰	سه بازرگان
۷۲	ابله و عیال
۷۳	با یزید بسطامی و مادر
۷۴	مرد سوار و جامه فروش
۷۵	عقاب
۷۹	یادآر ز شمع مرده یادآر
۸۰	وطن داری
۸۰	مادر مظهر شفقت خدا
۸۱	سلوک عارف
۸۱	شکوه ی پیر زال
۸۲	قصه ی موسی(ع) و بره ی گریخته
۸۳	مهربانی بر حیوانات
۸۵	دو حکایت از بوستان
۸۷	گل هایی از باغ غزل حافظ
۸۹	طاعت در جوانی
۸۹	مکن یا فرومایه مردم نشست
۹۰	حکایت های از بهارستان
۹۲	داستان سه انباز راه زن
۹۲	بخشنده گی
۹۳	حکایت هایی از اسرارالتوحید
۹۷	چند حکایت از مولوی
۱۰۱	تک بیت هایی از صائب
۱۰۶	حکایت و حکمت هایی چند از نصیحه الملوك
۱۰۷	طنزهایی از عبید زاگانی

۱۱۰	درخت بی بر
۱۱۱	زبان خودسری و نشنیدن نصیحت
۱۱۲	کارگر و کارفرما
۱۱۳	شراب
۱۱۳	آرزوی خر دم بریده
۱۱۳	دزد نادان
۱۱۴	دوبیتی هایی از بابا طاهر
۱۱۷	بخشش
۱۱۷	کار
۱۱۹	آی ادمها
۱۲۱	بخشایش الهی
۱۲۲	سکوت بیجا
۱۲۲	عزت کار کردن
۱۲۳	یکی از اصول نندرستی
۱۲۴	رباعیات خیام
۱۲۶	حسود
۱۲۶	هوالحق
۱۲۷	کتابنامه

سر آغاز سخن

وقتی سخن از زبان وادب فارسی به میان می آید؛ آیات و احادیث و معارف عمیق اسلامی نیز به ذهن خطور می کند؛ چرا که شاعران صاحب سبک و برجسته ی ملت ایران به دلیل مسلمانی برای تأثیر بخشی اشعار و سروده هایشان با معارف اسلامی سخن خود را مزین کرده اند.

آشنایی با این زبان وادب، مهارت های چگونه زیستن و نیک اندیشیدن را به ما می آموزد.

فریاد های خاموش خفتگان در تابوت خاک را از زبان ادبیات با گوش هوش می شنویم.

از راه ادبیات با باغبانان بی شماری که در رشد و پرورش باغ ادب، شب و روز خواب از چشمان رمیده و خاها در جانشان خلیده تا با سوزن فکر بکرشان خلعت دانایی برای آیندگان بدوزند، آشنا می شویم.

کشتی شعر عشق و عشق شعر ما را به ساحل آرزوها می رساند. گاه بیتی و جمله ی حکیمانه ای بستر سبز لحظه های لذیذ آزادی، آزادی آسودگی خاطر، آبخوره های گوارای اندیشه و سایه های آرامش و سکوت روحانی را که در نفاشناورند به ما نشان می دهد و جانمان را از شمیم خوش گل های زوال ناپذیر عشق و معرفت لبریز می کند و باعث می شود که «همه ی آفاق را گلستان ببینیم».

«دولت شعر عشق مرده ها را زنده و گریه ها را به خنده تبدیل می کند».

ادبیات می خوانیم تا ریشه ی تکبر، ریا، حسد، فسق، بخل، اسراف، بطالت در عبادت و زندگی، ترشروی، بی شرم و حیایی، تندخویی، انکار حق و ترمرد از حق، طمع، غصب بی جا، نطامی و خیر چینی، زخم زبان زدن، خوض در باطل، هتک حرمت دیگران، نفاق و بیانی، تفضیض از عیوب مردم، دروغگویی، فحشا و منکرات، مزاح و شوخی مخرب، یاوه گوئی، کتمان شهادت، افترا و بهتان، عناد و لجابت، نقض عهد و خلف وعده، خیانت، مکر و خدعه، سوء ظن، ایذا و اذیت غیر، خود محوری، لهور و لعب، اعانت به اهل معصیت و تملق و چاپلوسی... را بسوزانیم.

ادبیات می خوانیم تا «دامن خود را از گل محبت پر کنیم و آن را بر دوست فشانیم و با پراکندن آن راز خوشبختی را به دست آوریم و در دل مردم عالم نور پاشیم و روح بخشیم» ادبیات می خوانیم تا از مهر ورزی به کسی دریغ نکنیم چرا که عواطف و ذخایر محبت نامحدود و تمام نشدنی است.

ادبیات می خوانیم تا ذوق و سرورمان شکوفه بندد و روحمان تلطیف یابد و شجاعت اخلاقی و شرم فردی و اجتماعی داشته باشیم.

ادبیات می خوانیم تا یاور کنیم که «مونس فردای ما، امروز ماست و عدل ما، قنديل شب افروز ماست».

ادبیات می خوانیم تا گسترش عشق و دوستی، این روح لطیف، چنان با جان آدمی درآمیزد که تمنای وجودش این باشد و بس! گرمی دل‌های به هم پیوسته، زندگی را معنا می بخشد چرا که فلسفه ی «زندگی کردن برای دیگران» بر پایه ی محبت و ورزیدن پی ریزی می شود.

ادبیات می خوانیم تا هرک کینه های کهنه را از سینه ها بشوییم و «درد ستانی و درمان دهی کنیم تا به مقام فرماندهی برسیم».

ادبیات می خوانیم تا «سوار فاطمی از تور تهی شویم و از این خاک غریب به شهر پشت دریاها برویم و به قوای هوش بشری و شاخه ی معرفت دست هر کودک ده ساله ی شهر، بنگریم».

ادبیات می خوانیم تا «کتاب رسالت ما محبت و زیبایی باشد و زهدان خاک از تخم کین بار نیندد».

ادبیات می خوانیم تا «چشمان را بشوییم و جور دیگر ببینیم و سرانجام پشت دانایی اردو بزنیم».

تا امیدی دست توانا و پای پویای انسان را فلج می سازد و او را ممکن است به منجلاب نیهیلیسم و پوچگرایی سوق دهد و اسیر چنگال وحشت و اضطراب خیالی کند، مایوس به غار تنهایی پناه می برد و در آن تاریکستان جز اندوه وحشی و بیهودگی، مدم او نیست و ادبیات ما را از این آشوب ها می رهاند: چرا که «پایان شب سیه سپید است».

با عنایت به موارد مذکور و تحقق آن ها در جامعه ، با دستان کوتاه مطالعه و گزینش ، این مجموعه را جامعه ی چاپ پوشانیدیم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

در پایان از همه ی دوستان و کسانی که ما را در تهیه و تدوین این مجموعه یاری کردند تقدیر و تشکر می نمایم.

شاپور نورآذر

ندیر بکتاش جعفرلو